

کاربرگ چهارم، پنجم و ششم دبستان

کلاس:

نام و نام خانوادگی:

۱. کدام یک از عبارت‌های زیر درست و کدام یک اشتباه هستند:

• برادر اول وقتی صدای گریه‌ها را از فاصله‌های خیلی دور شنید، برای کارگران بیچاره دعا کرد و سپس به کار

کشاورزی‌اش ادامه داد.

• برادر دوم وقتی چشمانش را تیز کرد فهمید که صدها مرد بیچاره، بدون اینکه بتوانند غذا بخورند یا

بخوابند باید برای پادشاه کار کنند.

• وقتی حاکم فهمید کسی این قدر قوی است که می‌تواند در عرض چند ساعت دیوار بزرگی را تعمیر کند، از

ته قلب خوشحال شد. چون با خودش فکر کرد می‌تواند با کمک او خانه‌هایی برای مردم فقیر بسازد.

• برادر ششم وقتی فهمید می‌خواهند برادرش را در آتش بسوزانند، جای خودش را با او عوض کرد. چون

او هیچ وقت گرمش نمی‌شد و آتش نمی‌توانست به او آسیب بزند.

• وقتی امپراطور تصمیم گرفت برادر ششم را تیرباران کند، برادرها گفتند ما نمی‌توانیم برای برادرمان

کاری کنیم. بنابراین همینجا می‌نشینیم. اما برادر هفتم ناراحت شد و نتوانست جلو گریه‌اش را بگیرد.



۲. جاهای خالی را با کلمات زیر پر کنید:

خسته - گریه نکنم - اشک - ضعیف

• برادر هفتم از همه کوچک‌تر بود و شش برادر دیگر سعی می‌کردند همیشه او را خوشحال نگه دارند چون اگر ناراحت

می‌شد و به گریه می‌افتاد هر قطره او می‌توانست دهکده‌ای را در خود فرو برو و ببرد.

• برادر دوم با چشمهای تیزبینش گفت: صدها مرد بیچاره مشغول کار هستند. آن‌ها برای تعمیر دیوار باید روز و شب

و شب و روز کار کنند؛ برای همین و شده‌اند.

• هفتمین برادر گفت: «گرسنه‌ام! حالا که همه دور هم جمع شده‌ایم، می‌توانیم غذایی بخوریم و استراحت کنیم.

من هم قول می‌دهم تا وقتی لازم نباشد،



۳. دوست داشتید جای کدام برادر باشید؟ چرا؟

در این صورت در خانواده، محله یا مدرسه‌ات چه کارهایی می‌کردی؟



۴. در مبارزه با پادشاهی ستمگر، هر کدام از گروه‌های زیر چه کمک یا کمک‌هایی می‌توانند بکنند؟

• معلمان می‌توانند

• زنان می‌توانند

• کارگران می‌توانند

• پزشکان می‌توانند

• کودکان می‌توانند

• جوانان می‌توانند



۵. با کلمات یا عبارات زیر جمله بنویسید.

• تیزبین:

• امپراتور:

• جرقه:

• ظالم:

۶. معنای عبارات زیر را جستجو کنید و بنویسید. یا پانتومیم آن را بازی کنید.

• خشم اش مثل زمین لرزه زمین را می‌لرزاند: -----

• چشم دوختن: -----

• حسابی گرسنه شده بود: -----

۷. تکلیف خانه:

یکی از افراد فامیل‌تان را که ویژگی خوب و مهم یا توانایی در کاری دارد را نام ببر؟ (مثلا: مادر، پدر، برادر، خواهر، دایی و
عمو، خاله یا عمه و ...)

او چه ویژگی یا توانایی دارد؟ (مثلا: خوب حرف می‌زند، موسیقی می‌نوازد، خوب می‌نویسد، خوب بنایی می‌کند، غذای
خوشمزه می‌پزد، ...)

فرض کن آن ویژگی یا توانایی به نحوی جادویی خیلی خیلی زیاد و باور نکردنی شود.

اکنون داستانی کوتاه بنویس که او چگونه، و برای انجام چه کارهایی از این ویژگی‌اش استفاده می‌کند؟

